ماضی بعید

وسترن فارسی

از رباط کریم تا کانزاس

علیرضا محمودی

وسترن، آمریکایی‌ترین گونه سینمایی در میان تولیدات تاریخ هالیوود است. ژانری که بیشترین تأثیر را روی سینماهای ملی گذاشت. در تاریخ ســـینماهای ملی همه کشـــورها نمونه‌های مستقیم و غیرمستقیمی از شمایل‌ها، الگوها و روایت‌های سینمای وسترن را می‌توان یافت. سینمای کشورهای ایتالیا، آلمان غربی، ژاپن، هند و ترکیه در تاریخ خود نمونه آثاری دارند که همه وجوه سینمای وســـترن در آنها قابل تشخیص اســـت. در ســـینمای ترکیه صدها نمونه از تلاش فیلمسازان سینمای ملی کشور همسایه موجود است که در آنها تلاش شده تا فیلمی وسترن برای مصرف مخاطبان سینمای ملی فراهم شود.

در سینمای ایران نیز از نمونه‌های مستقیمی چون تک‌تازان صحرا و دشت‌سرخ که شمایل‌ها، الگوها و روایت از سینمای وسترن گرته‌برداری شده تا نمونه‌هایی چون آثار امان منطقی و فیلم سایه‌های هجوم احمد امینی که در بستر فیلم تاریخی و فیلم جنگی از روایت و الگوهای روایی سینمای وسترن اســـتفاده کرده‌اند می‌توان مثال زد.

اما آنچه بیش از تعداد و کیفیت وسترن‌سازی اهمیت دارد، اعتماد به نفس و توانایی تخیل و تجسم روایی و فنی است که سینماهای ملی در برابر پدیده سینمای جهان‌گیری همچون وســـترن از خود بروز داده‌اند. سینمای ایتالیا، وسترن را چنان از خود کرد که گویی وسترن اسپاگتی سری از وسترن آمریکایی سوا دارد. جی وسترن (وســـترن ژاپنی) و وسترن کاری (وســـترن هندی) بیش از آنکـــه الگوبرداری صرف محسوب شوند، تلاش‌های صنعتی برای تعویض بسته‌بندی در مسیر تولید فیلم‌های ژاپنی و هندی بوده‌اند. ایـــن نمونه‌ها قدرت ســـینماهای ملی را توضیـــح می‌دهند که در برابر حضور و گسترش سینمای وسترن انواع واکنش‌ها را در زمانه خود بروز دادند.

ســـینمای ملی ایران در برابـــر نمایش انبوه وسترن‌ها مانند اغلب ســـینماهای محدود و فقیر که سعی می‌کنند بازتولید سینمای موفق غیربومی را تنها در بازســـازی الگوهای روایی تجســـم کنند، پیش نرفت. برخی فیلم‌های روستایی، برخی اکشن‌های تاریخی و برخی فیلم‌های جنگی ایرانی الگوهای روایی وسترن را بازتولید کردند و همه تـــلاش تولیدات این بود که بیشـــتر بخشـــی از چرخه فیلمسازی رایج دوران خود باشـــند تا یک اثر متمایز. این آثار بیرون از جریان تولید نشده‌اند. این میزان وابستگی به جریان روز فیلم‌های موفق به‌خاطر محافظه‌کاری ریشه‌داری است که هدفش از تولید تنها استفاده از فروش است نه تداوم تولید. وسترن نساختن عیب نیســـت، نشان‌دهنده درون صنعت ســـینمای ملی و بی‌پشتوانگی فرهنگی و اقتصادی است.

در تاریخ ســـینمای ایتالیـــا اوج توانایی تولید همزمان با آغاز ساخت وسترن‌های اسپاگتی است و در سینمای ایران در اوج دوران مصرف فیلم ایرانی، تنوع ساخت، زمینه بروز وسترن فارسی را میسر می‌کند.

رویکرد سینمای ملی ایران با سینمای وسترن می‌تواند نمونه جالبی برای بررسی این موضوع باشد که سینمای ملی ایران چرا اعتمادبه‌نفس فرهنگی ندارد و همه‌چیز به کمبود اسب و کلاه و شش‌لول برنمی‌گردد.

خاطرات فریدون جیرانی از ادوار جشنواره فیلم فجر

خیلی دور، خیلی نزدیک

در روزهای انتشار ویژه‌نامه «بیست و چهار» خاطرات فریدون جیرانی در صفحه آخر منتشر می شد. جشنواره به پایان راهش نزدیک شد و بخش زیادی از خاطرات جذاب جیرانی هنوز باقی مانده است. آنچه می خوانید گزیده ای از خاطرات جیرانی از سال‌های نسبتا دور تا همین چند سال پیش است. خیلی دور، خیلی نزدیک.

آخرین جشنواره سیف‌الله داد

دوره نوزدهم آخرین جشنواره‌ای بود که با مدیریت زنده‌یاد سیف‌الله داد برگزار شد. سیف‌الله داد از دوره شانزدهم که جشنواره «آژانس شیشه‌ای» بود تا دوره نوزدهم که «سگ کشی» بیضایی در آن به نمایش درآمد، جشنواره‌های پرشور و موفقی برگزار کرد. در دوره نوزدهم، تعداد فیلم‌های شاخص به اندازه دوره هجدهم نبود ولی با این حال در این دوره هم چند فیلم شاخص دیدیم. از «سگ کشی» گرفته تا «باران» مجیدی و «قطعه ناتمام» مازیار میری و «زیر نور ماه» رضا میرکریمی و فیلم تهمینه میلانی، «نیمه پنهان». در جشنواره نوزدهم، مشخص است که شرایط سینما تغییر کرده و بعد از جشنواره هم سیف‌الله داد می‌رود.

سیاسی‌ترین جشنواره

جشـــنواره هجدهم در شـــرایطی برگزار شد که فضای جامعه به‌شـــدت سیاسی شـــده بود. دوره روزنامه‌های سیاســـی و فعالیت احزاب و جناح‌ها و اتفاقاتی که جامعه از آن متاثر شـــده و به‌شدت سیاسی شـــده بود. ســـینما هم از فضای عمومی جامعه تأثیر گرفته بود و نتیجه‌اش این بود که تقریبا همه فیلم‌های مهم جشـــنواره هجدهم سیاسی بودند. مهم‌ترین فیلم که در بهمن ۷۸ خیلی درک نشد و حرف مهم و پیش‌بینی تاریخی کیمیایی با برخوردهای تندی مواجه شد، فیلم «اعتراض» بود. سناریوی «اعتراض» را من قبل از ساخت خوانده بودم و حتی در جلســـه‌ای هم در دفتر سیدضیاء هاشمی تهیه‌کننده فیلم که آن موقع «شوکران» را هم کار کرده بود، با حضور مســـعود کیمیایی و محمدرضا موئینی حاضر شدم. یادم هست که در جلسه به کیمیایی گفتم دیالوگ‌های جوان‌ها در پیتزافروشـــی را دربیاورد که کیمیایی گفت اصلا فیلم را به‌خاطر همین دیالوگ‌ها می‌خواهم بسازم. بعدا فهمیدم حق با کیمیایـــی بود و ما تحت‌تأثیر فضا و جو، تحلیل‌مان از شرایط درست نبود. امروز خیلی راحت اســـت که بگوییم اصلاحات شکست خورد ولـــی آن موقع که جناح چـــپ ۲ انتخابات پی‌درپی ریاست‌جمهوری و شـــوراها را برده بود و در آستانه فتح مجلس بود، خیلی حرف بود که در فیلمت به صراحت درباره اصلاحات بگویی «اینم یه دوره‌س. تموم می‌شه.» زمان جشنواره هر دو جناح راست و چپ، «اعتراض» کیمیایی را نپسندیدند. هم روزنامه‌های جناح راست منتقد فیلم بودند و هم روزنامه‌های دوم‌خردادی. دیگر فیلم سیاسی این دوره، «متولد ماه مهر» احمدرضا درویش بود. اساسا تغییر درویش در این دوره خیلی مهم بود. فیلمساز سینمای دفاع‌مقدس نسبت به ماجراهای روز و فضای دانشگاه‌ها در بستری عاشقانه واکنش نشـــان می‌داد و این واکنش مهم بود. جشـــنواره هجدهم جشـــنواره بهمن فرمان‌آرا بود. نخستین فیلم بعد از انقلاب فرمان‌آرا که داوران جشـــنواره برایش فرش قرمز پهن کردند و «بوی کافور، عطر یاس» بیشـــتر جایزه‌ها را گرفت. «بوی کافور عطر یاس» هم جزو فیلم‌های سیاســـی این دوره بود. نکته‌اش هم این بود که مدیران ســـینما و داوران فیلم را با وجود جنبه‌های انتقـــادی‌اش، همراه و همدل با دولت مستقر دیدند. در حالی که در مورد «اعتراض» کیمیایی، برداشت‌ها این بود که فیلم نگاهی انتقادی به دولت و سرنوشت اصلاحات دارد. در نتیجه با اینکه «اعتراض» در تمام رشـــته‌های اصلی نامزد سیمرغ شد و این نخستین‌باری بود که فیلمی از کیمیایی این میزان نامزد جایزه می‌شود، ولی در نهایت همه جایزه‌ها به فیلم فرمان‌آرا رسید و فیلمی که اصلا چهره‌پردازی نداشـــت، سیمرغ بهترین گریم را هم گرفت. «مرد بارانی» ابوالحسن داوودی هم از جمله فیلم‌هایی بود که قبل از ساخت سناریوی آن را خوانده بودم و فکر نمی‌کردم فیلمی به این زیبایی براساس‌اش ســـاخته شود. فیلمی که یک قریبیان متفاوت و فوق‌العاده داشـــت که بحق جایزه بهترین بازیگر را گرفت. «مرد بارانی» هم مضمونی سیاســـی داشت. جشنواره هجدهم، جشـــنواره «عروس آتش» هم بـــود. تنها دوره‌ای که خسرو سینایی توانست تماشاگران و منتقدان حاضر در جشنواره را به‌شدت تحت‌تأثیر قرار دهد. می‌شود گفت «عروس آتش» پدیده دوره هجدهم بود. در جشنواره هجدهم نخســـتین حضور رضا میرکریمی ثبت شده، با «کودک و سرباز» که فیلم خوبی بود و نوید ظهور کارگردانی مهم را می‌داد. محمدرضا هنرمند هم در این جشنواره سیاسی با کمدی سیاسی «مومیایی ۳» آمده بود که این فیلم هم مورد توجه داوران قرار نگرفت. در سیاسی‌ترین جشـــنواره‌ای که تا امروز برگزار شده، همه جوایز اصلی ســـمت یک فیلم رفت و بقیـــه فیلم‌ها که فیلم‌های مهمی هم بودند در حاشیه قرار گرفتند. به‌نظرم الان و با نگاه امـــروزم، با فاصله «اعتراض» کیمیایی بهترین فیلم دوره هجدهم بود.

جشنواره بیستم و شام آخر

«شام‌آخر» جزو نخستین فیلم‌هایی بود که توسط کمیته انتخاب برای مســـابقه جشـــنواره بیستم برگزیده شد. آن موقع خانه سینما کمیته انتخاب جشنواره را تشکیل می‌داد و غلامرضا موسوی هم در کمیته انتخاب بود و همان موقع به من خبر داد که «شام‌آخر» رأی آورده و به مسابقه رفته است. فیلم برای بخش بین‌الملل جشنواره هم انتخاب شد. اولین اکران «شام‌آخر» در سینما صحرا بود و یادم هست که تماشاگران راضی از سالن بیرون آمدند. من با خانواده‌ام به سینما رفته‌بودم. هانیه توسلی از آن طرف خیابان خودش را به من رساند و با هیجان گفت «شام‌آخر» فیلم خوبی شده. آن سال سینمای مطبوعات سالن حجاب بود و فیلم در سالن مطبوعات خیلی با استقبال مواجه نشد. مصاحبه مطبوعاتی فیلم خیلی شـــلوغ بود، همه عوامل فیلم هم آمده بودند ولی ســـؤالات خوبی پرسیده نشـــد. عده‌ای متلک می‌گفتند و بولتن جشنواره مطلب توهین‌آمیزی همراه با کاریکاتور چاپ کرد که در تـــداوم برخورد منفی منتقدان با فیلم بود. خیلی عصبانی شـــدم و زنگ‌زدم بولتن و اتفاقا تلفن را هم رفیقمـــان علیرضا محمودی جواب داد که آن ســـال در بولتن بود. به هر حال منتقدان برخورد خوبی با «شـــام‌آخر» نکردند و داوران هم فیلم را دوست نداشـــتند. در آن سال مجید مجیدی عضو هیأت داوران بود و شنیدم که مجیدی فیلم ما را دوست نداشته است. آن دوره هم دوره فرمان‌آرا بود که بـــا «خانه‌ای روی آب» جایزه بهترین فیلم را گرفت. سال «من، ترانه پانزده سال دارم» صدر عاملی که داوران خیلی دوستش داشتند و جایزه فیلمنامه و کارگردانی را به فیلم صدر عاملی دادند. در آن دوره بازگشت ناصر تقوایی اتفاق مهمی بود. تقوایی ۲۱ سال بعد از «ای ایران» با فیلم «کاغذ بی‌خط» به جشنواره آمده بود. فیلم غریب «قارچ سمی» رسول ملاقلی‌پور هم در آن دوره حضور داشـــت و همینطور «ارتفاع پست» ابراهیم حاتمی‌کیا که نخستین فیلم حاتمی‌کیا بود که دربـــاره آدم‌های جنگ نبـــود. فیلم‌های ملاقلی‌پور و حاتمی‌کیا جزو آثار مورد علاقه داوران جشنواره نبودند.

ظهور جوانان

جشنواره بیســـت‌ویکم باز هم من فیلم داشتم و با «صورتی» به جشنواره رفتم. «صورتی» را زمانی ساختم که کمتر کسی در سینمای ایران کمدی رمانتیک می‌ســـاخت. جالب اســـت که عده‌ای از منتقدان این فیلم را دوســـت داشـــتند. خیلی از کسانی که با «شام‌آخر» ارتباط برقرار نکرده بودند از این فیلم تعریف می‌کردنـــد. البته داوران خیلی فیلم را تحویل نگرفتند ولـــی فیلمنامه‌اش نامزد جایزه شد. سال ۸۱، ســـال «نفس عمیق» پرویز شـــهبازی بود. نخســـتین فیلم تلخ قهرمان‌گریز سینمای ایران در آن دوره بود و نخستین فیلمی بود که از اصلاحات بریده و دیگر مرجعیت اصلاحات را قبول نداشت. «بوتیک» حمید نعمت‌الله هم به مسابقه نرفت که اشتباه هیأت انتخاب بود و فیلم در بخش فیلم‌های اول به نمایش درآمد و به‌شدت هم دیده شد. «بوتیک» فیلم بسیار خوبی بود و حال و هوای عجیب و غریبی در فیلم به چشم می‌خورد که خوب درآمده بود. فیلم «شب‌های روشن» فرزاد موتمن هم برای آن دوره بـــود که خیلی هم مورد توجه تماشاگران قرار گرفت. نخستین فیلم اصغر فرهادی هم در این دوره به نمایش درآمد و با «رقص در غبار» نخستین حضور حرفه‌ای اصغر فرهادی رقم خورد. علیرضا امینی هم با «نامه‌های باد» یکی از فیلم‌های جالب‌توجه آن دوره را عرضه کرد که هنوز هم بهترین فیلمش اســـت. داوران جشنواره جوایز اصلی را به کارگردان‌هـــای باتجربه دادند و احمدرضا معتمدی بـــرای «دیوانه از قفس پرید» جایزه بهترین فیلم را گرفـــت و فیلم «فرش باد» کمال تبریزی هم چند جایـــزه گرفت ولی ویژگی آن دوره ظهور فیلمسازان تازه‌نفس بودند که نشان می‌داد سینمای ایران در حال پوست‌اندازی است.

بازگشت کهنه‌کاران

دوره بیست‌ودوم، دوره بازگشت فیلمسازان باتجربه بود. جشـــنواره‌ای که ۲ فیلم جنگی مهم داشـــت. «مزرعه پدری» رسول ملاقلی‌پور که بهترین فیلم جشنواره بود ولی داوران دیگر فیلم جنگی این سال؛ «دوئل» احمدرضا درویش را دوســـت داشتند که چندین جایزه از جمله جایزه بهترین کارگردانی را گرفت. در آن دوره یک فیلمساز دفاع‌مقدسی هم حاضر بـــود؛ عزیزالله حمیدنژاد با عاشـــقانه غریب «اشک سرما». دوره بیست‌ودوم، دوره «مارمولک» کمال تبریزی هم بود. یک کمدی پرســـروصدا که زمان جشنواره کسی پیش‌بینی نمی‌کرد در اکران به مشکل بخورد و در جشنواره جایزه بهترین فیلم از نگاه تماشاگران و جایزه فیلمنامه را گرفت. «مهمان مامان» داریوش مهرجویی هم در آن دوره به نمایش درآمد؛ فیلم تلخی که ظاهر شیرینی داشت و جایزه بهترین فیلم را هم گرفت. مسعود کیمیایی هم در آن جشنواره پس از ۴ سال غیبت با «سربازهای جمعه» به فیلم فجر آمد که خیلی از آن استقبال نشد.

جشنواره‌های دوره احمدی‌نژاد

از ســـال ۸۴ به جشـــنواره‌های دوره احمدی‌نژاد می‌رسیم و داستان سپهر سیاســـی جامعه ایران عوض می‌شود. صفار هرندی جای مسجدجامعی را گرفته و وزیر ارشاد شده و محمدرضا جعفری‌جلوه معاون سینمایی اســـت و جعفری‌جلوه، علیرضا رضاداد را که از میانه‌های دولـــت دوم اصلاحات به فارابـــی آمده و دبیر جشـــنواره فجـــر هم بود نگه‌مـــی‌دارد. ۲ دوره اول جشـــنواره‌های دولت احمدی‌نژاد با دبیر ۲ سال پایانی دولت اصلاحات برگزار می‌شود. برخلاف پیش‌بینی‌ها فضای سینما خیلی بسته نمی‌شود و اصلا در آن دوره بود که اصغر فرهادی رشد کرد و به فیلمساز مهمی تبدیل شد. با «چهارشنبه‌سوری» و «درباره الی» فرهادی به فیلمسازی تبدیل شد که تناقضات طبقه متوسط را به نمایش درمی‌آورد و در نخستین جشنواره دولت احمدی‌نژاد هم برای «چهارشنبه‌سوری» جایزه کارگردانی را گرفت. فرهادی سیمرغ کارگردانی را در دوره‌های بیســـت‌وهفتم و بیســـت‌ونهم هم برای «دربـــاره الی» و «جدایی نادر از ســـیمین» گرفت. سیاســـت‌های ســـینمایی آن دوره از دل کنار آمدن با جریان روشـــنفکری شکل گرفت و به همین دلیل هم فیلم‌های فرهـــادی به‌عنوان مهم‌ترین دستاوردهای سینمای ایران، در جشنواره فجر تحویل گرفته شدند. مســـعود ده‌نمکی هم با «اخراجی‌ها» دیگر پدیده فیلمســـازی آن دوره بود. ده‌نمکی هم اساسا فیلمساز دوره احمدی‌نژاد بود که با پایان دولـــت احمدی‌نژاد هم عملا تمام شد. دوران جشنواره‌های ســـال‌های ۸۹ و ۹۰ من برنامه «هفت» را داشـــتم که پخـــش زنده بود و پس از ســـال‌ها کار مطبوعاتی نوع دیگری از کار رسانه را تجربه کردم. پرچالش‌ترین برنامه ما هم که در برج میلاد مستقر بودیم، دوره بیست‌ونهم بود. شبی که مسعود فراســـتی روی آنتن زنده آن تعبیر را درباره مســـعود کیمیایی و فیلم «جرم» به‌کار برد و همه‌چیز به‌هم ریخت. من ابتدا متوجه نشدم که فراستی چه گفته و وقتی آگهی رفتیـــم و بیرون آمدم متوجه شدم فراستی چه گفته و دیدم که فضا ملتهب شده و همه دارند واکنش نشان می‌دهند. نیما حسنی‌نسب را روی خط آوردم که از کیمیایی دفاع کند ولی فایده‌ای نداشت. فراستی آن جمله را گفته بود و همه‌چیز به‌هم ریخته بود. حامد بهداد را هم روی خط آوردم که باز یک مقدار فضا را تلطیف کنیم و شب‌آخر جشنواره هم به منزل کیمیایی رفتم و مصاحبه مفصلی گرفتم و پخش کردم تـــا آب رفته را به جوی بازگردانم. بعدش هم به ما اعلام کردند که فراســـتی دیگر به برنامه نیاید. در همین جشـــنواره اصغر فرهادی هـــم که «جدایی نادر از ســـیمین» را داشت، به اســـتودیوی «هفت» نیامد و در همان راهروی برج میلاد با ما مصاحبه کرد. فرهادی هم ســـر آیتمی که بچه‌های «هفت» زمـــان حاشـــیه‌های تولید «جدایی نادر از سیمین» در لحظه آخر نوشته بودند و فرصت نشـــده بود آن را قبل از پخش چک کنم، از ما دلخور شده بود. اینها اتفاقات بعضا گریزناپذیری بود که در برنامه زنده تلویزیونی ممکن است پیش بیاید. وقتی کار مطبوعاتی می‌کردیم مقاله و گزارش را می‌خواندیم و اگر مشکلی وجود داشت اصلاح می‌کردیم، در شتاب تولید برنامه زنده گاهی وقت‌ها اتفاقاتی می‌افتد که از کنترل تو خارج است. خیلی تجربه سختی بود. اینکه گاهی ملاحظاتی باید داشته باشـــی و این ملاحظات ممکن است با خواسته‌های شخصی تو مطابق نباشد. خیلی سخت بود. همه هنرمندان نسبت به برنامه حساس بودند و اگر چیزی گفته می‌شد نمی‌آمدند مصاحبه کنند و منتقد ثابت برنامه ما هم فراستی بود که نسبت به بیشتر فیلم‌ها نگاه تند و تیز انتقادی داشت. با این همه من خیلی‌ها را به «هفت» آوردم. از رضا میرکریمی تا ابراهیم حاتمی‌کیـــا و کاری که در جشـــنواره کردم این بود که فراستی را مقابلشان نگذاشـــتم. ســـال ۸۹ کم‌تجربه بودیم و سال ۹۰ باتجربه‌تر و پخته‌تر شدیم و بعدش هم که داستان ما و برنامه «هفت» تمام شد.

بازگشـــت به مطبوعات و تجربه حضور در هیأت انتخاب

سال ۹۴ سال بازگشت من به مطبوعات بود. تصمیم گرفتم یک روزنامه سینمایی دربیاورم. درخواست تغییر امتیاز هفته‌نامه «سینما» به روزنامه را دادیم و با یک گروه جوان و در عین حال باتجربه، روزنامه را راه انداختیـــم. روزنامـــه‌ای تحلیلی و پرمطلب که بعضی از دوســـتان قدیمی مطبوعات باورشان نمی‌شد ما بتوانیم هر روز چنین محتوایـــی را منتشـــر کنیـــم. آن ســـال از من دعـــوت شـــد که عضـــو هیأت انتخاب جشنواره ســـی‌وچهارم بشوم و من درگیر فیلم دیدن شـــدم و معمولا آخر شب‌ها به روزنامه می‌رفتم. آن ســـال فیلم‌های مهمی به جشنواره آمدنـــد. جوان‌هایی که ما با دیدن فیلم‌هایشـــان غافلگیر شدیم. در رأس‌شان ســـعید روستایی با «ابد و یک‌روز» و محمدحسین مهدویان با «ایستاده در غبار». رضا درمیشیان هم «لانتوری» را داشت. حاتمی‌کیا با «بادیگارد» آمده بود و مانی حقیقی هم با فیلم عجیب «اژدها وارد می‌شود» متقاضی حضور در جشنواره فیلم فجر بود. دیگر فیلم مهم این دوره «نفس» نرگس آبیار بود که ما را در هیأت انتخاب متاثر کرد. ده‌نمکی هم «رسوایی ۲» را داشت. یادم هست که در جلسه از فیلم ده‌نمکی دفاع کردم که در مسابقه بماند. از یک فیلم دیگر هم دفاع کردم ولی رأی نیاورد. فیلمی که محمد رحمانیان ساخته بود. اتفاق غم‌انگیز دیگر «نیم‌رخ‌ها»ی ایرج کریمی بود که رأی نیاورد. حضـــور در هیأت انتخاب کلا خیلی تجربه سختی بود. حضور در جایی که ممکن اســـت از قول تو به دروغ به کارگردانی که فیلمش رأی نیـــاورده بگویند فلانی مخالـــف فیلمت بود. دوره بعدش باز هم در جشنواره فیلم داشتم. سال «مغزهای کوچک زنگ‌زده» و «ماجرای نیمروز» و «بدون تاریخ، بدون امضا». سالی بود که به من جفا شد و به فیلم «خفگی» من توجهی نکردند. فیلم هم بین تماشـــاگران و هم در میان منتقدان مورد توجه قرار گرفت. در مصاحبه مطبوعاتی جو کاملا مثبت بود ولی داوران به‌کل مـــا را نادیده گرفتند. عجیب‌ترین تصمیم، کاندیدا کردن فیلمبردار فیلم ما برای فیلمبرداری بود که خود مسعود سلامی آن را قبول نداشت. در مورد طراحی صحنه هم همین اتفاق افتاد و هم فیلمبردار و هم طراح صحنه خفگی از جشنواره انصراف دادند. یا از قلم انداختن بازیگر زن «خفگی». این دیگر سلیقه نبود مشخص بود که داستان دیگری اســـت. در جشنواره ۹۶ هم «بمب یک عاشقانه» را خیلی دوست داشتم. من آن سال «آشفتگی» را داشتم که برایش انتظاری نداشتم. برای «خفگی» انتظار داشتم که برآورده نشد. الناز شاکردوست برای «شبی که ماه کامل شد» جایزه گرفت که خیلی هم خوب بازی کرده بود. نخستین بازی متفاوت شاکردوست در «خفگی» بود که حتی نامزد جایزه هم نشد.

آن سال‌ها سال‌هایی بود که من در پلتفرم‌ها حضور داشتم و ابتدا برنامه «سی‌وپنج» را راه انداختم. کل سال ۹۵ در «ســـی‌وپنج» بودم. سال ۹۶ هم برنامه زنده داشـــتم و با خیلی‌ها مصاحبه کردم. دوران تازه‌ای از راه رسیده بود.

تجربه داوری

سال ۹۸ داور جشـــنواره شـــدم. حضور در هیأت داوران تجربه جالبی بود. سالی که من سکته کرده بودم و بزرگداشتی برایم گرفتند و تماس گرفتند داور شـــوم که قبول کردم و پیش از آغاز جشنواره شروع کردیم به دیدن فیلم‌ها. از فیلم‌های جالب آن دوره به «آتابای» نیکـــی کریمی، «روز صفر» ســـعید ملکان، «خورشـــید»، «تومان» مرتضی فرشباف، مجید مجیدی و «شنای پروانه» محمد کارت می‌توانم اشاره کنم. حاتمی‌کیا هم «خروج» را داشـــت. خیلی هم داوری ســـختی بود. تمایل یکســـری از داوران این بود که به «آتابای» توجه بیشتری بشود ولی متأسفانه نشد. دبیر جشنواره اصلا در داوری دخالت نکرد. از بیرون هم کســـی دخالت نکرد. به‌نظرم جـــواد عزتی برای «آتابای» باید دســـت‌کم کاندیدا می‌شـــد ولی رأی نیاورد. تجربه‌ای که از حضور در هیأت داوران به‌دســـت آوردم این بود که تو فیلم‌هایی را دوست داری ولی وقتی روی صندلی داوری می‌نشینی، ملاحظاتی می‌آید که گاهی مانع می‌شـــود. مثلا اینکه فلان فیلمساز امسال فیلم دارد و تو نمی‌توانی از کنارش عبور کنی. خودبه‌خود ملاحظات در داوری می‌آید و جوایز تقسیم می‌شود. ملاحظات در آن دوره سراغ ما آمد. همه ما شیفته «آتابای» بودیم ولی خیلی به آن جایزه ندادیـــم. آن دوره جایزه کارگردانی و فیلمنامه حق «آتابای» بود. ملاحظات در داوری تو را از سلیقه و تشخیصات دور می‌کند.

اولین جشنواره دولت یازدهم

بهمن ۹۲ دولت یازدهم که تازه روی کار آمده نخستین جشنواره‌اش را به دبیری علیرضا رضاداد برگزار کرد که جشنواره جنجالی‌ای هم شد. بیشتر جنجال‌ها هم سر «عصبانی نیستم» به پا شد و ماجرای عوض کردن برنده سیمرغ بهترین بازیگر نقش اول مرد پیش آمد. «قصه‌ها» هم از دیگر فیلم‌های مهم آن دوره بود و «رستاخیز» درویش که جوایز مهمی هم گرفت. جشنواره‌ای که «چ» حاتمی‌کیا و «شیار ۱۴۳» نرگس آبیار و «آذر شهدخت» بهروز افخمی در آن بودند. دولت جدید تازه سر کار آمده، هم می‌خواست به انتظارات سینماگران پاسخ بدهد و هم منتقدان دولت را به مخالفت با دولت و ارشاد ترغیب نکند.

کوتاه‌تر از گزارش

شور عاشقی
با نظرات مجیدی

درام تاریخی با محوریت صدر اسلام و فیلمی که در مرزی باریک حرکت می‌کند تا روایتی عاشقانه را در بستری از تاریخ به مخاطب ارائه دهد. نشست خبری «شـــور عاشقی» آخرین فیلم جشنواره فیلم فجر ۴۲، با حضور عوامل آن در برج میلاد برگزار شد. در این نشست داریوش یاری تهیه‌کننده، نویسنده و کارگردان، فریدون شـــیردل مدیر فیلمبرداری، فرخ فدایی مدیر صدابرداری، نیاز حمیدی طـــراح لباس، پیام حسین سوری طراح صحنه، پیام احمدی‌نیا و شـــهره موســـوی بازیگران و ســـیدمحمود موسوی‌نژاد صداگذار حضور داشتند.

داریوش یاری در ابتدای این نشســـت گفت: فیلم شور عاشقی فیلمی بود که با هدایت دل آن را ساختیم. شاید اگر قرار بود با منطق و عقل این فیلم را بســـازیم، به هزار و یک دلیل نباید می‌ساختیم. عشقی که داشتیم بالاترین دلیل ساخت این فیلم بود. در دل فضای طبیعی کار رفتیم و برای اینکه نمی‌خواســـتیم تبدیل به قلکی برای امام حسین(ع) شـــود. از همسرم هم ممنونم که خانه‌اش را فروخت و چراغ اول ساخت این فیلم را روشن کرد.

فریدون شیردل مدیر فیلمبرداری این اثر گفت: اگر قرار باشد در جشنواره‌ها جایزه‌ای بدهند، باید به این گروه بدهند. پروســـه دشواری در این کار وجود نداشت یکی به پشتوانه حمیت و همراهی دوستان و یکی به‌دلیل شناخت آقای یاری از کار.

پیام احمدی‌نیا بازیگر این فیلم بیان کرد: چالش اصلی این فیلم در تکنیک بازیگری ایفای نقش شمر بود. دوست داشتم طوری شمر را بازی کنم که تاکنون بازی نکرده‌اند.

او ادامه داد: تصویر شمر در تعزیه در ذهن همه ما نقش بسته است. در فیلمنامه نیز شمایلی از این شمر وجود داشت اما من سعی کردم از این تصویر کمی فاصله بگیرم. به‌طور مثال من دوست نداشتم شـــکم‌بارگی یا شراب‌خوردن شمر را نشان دهم و می‌خواستم در رفتار این موارد به مخاطب متبادر شود. شهره موسوی دیگر بازیگر این فیلم هم گفت: سلما برای من یک انتخاب نبود. من اول قرارداد بستم و بعد فیلمنامه را خواندم. ابتدا من برای نقش سلما انتخاب نشـــده بودم اما در پروسه پیش‌تولید تصمیم گرفتند که من این نقش را بازی کنم. تمام بار داســـتان روی دوش سلما بود و آقای یاری هم روی این نقش خیلی حساس بودند.

داریوش یاری در پاســـخ به این پرسش که آیا این فیلم هم به سرنوشت فیلم رستاخیز دچار می‌شود؟ توضیح داد: ما تلاش کردیم که این اتفاق رخ ندهد. آقـــای مجید مجیدی از زمان تدوین فیلمنامه تا تدوین فیلم کنار ما بودند و تمام نگرانـــی ما این بود کـــه از ذهن آیینی مخاطب و پر از ایمان مخاطب بمانیم و مخاطب ما را باور نکند. حدود ۳۰ کارشـــناس در بنیاد فارابی این فیلم را تماشـــا کردند. حتی گاهی هم مقاومت می‌کردم و برخی به من هشـــدار می‌دادند کـــه مراقب باش. مـــن در این فیلم مراقب بودم که به اهل سنت هم توهینی نشود. حدود ۳۰ سال اســـت که با این مفاهیم همراه هستم و کتاب‌های خیلی زیادی خوانده‌ام. فیلم شور عاشقی را فیلم داریوش یاری ندانید بلکه ارادت سینمای ایران به بارگاه حسین بن علی(ع) بدانید. یاری افزود: این فیلمنامه برای سریال نوشته نشده بود. این داستان دست از سر من برنمی‌داشـــت و طرح فیلم کوتاه و تله‌فیلم و سینمایی و سریال آن را نوشتم. شور عاشقی باید ساخته می‌شد.

روزنامه چهل‌ودومین
جشنواره بین‌المللی فیلم فجر
42nd FAJR INTERNATIONAL FILM FESTIVAL
یکشنبه ۲۲ بهمن ۱۴۰۲ - شماره ۱۱